

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه تفسیر

سوره‌های مبارکه اعلی، انسان، جمعه، طارق، علق، قیامت

آدرس: تهران_ خیابان انقلاب_ خیابان قدس_ خیابان
بزرگمهر_ پلاک ۸۵_ سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور

تلفن:

۰۲۱-۶۶۴۸۵۶۶۳

هرگونه کپی برداری از این جزو شرعاً جایز نیست

تلخیص سوره مبارکه اعلی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره اعلی مشتمل بر ۱۹ آیه می باشد که در این آیات به توحید و تنزیه خدای تعالی امر شده است، توحیدی که لایق ذات مقدس او باشد، بطوری که نامش با نام دیگری خوانده نشود. سیاق آیات ابتدایی مکی است اما از آیه ۱۴ روال سوره عوض می شود و سیاق مدنی می شود.

به این ترتیب سوره مشتمل بر آیات مکی و مدنی است و با روایاتی که گفته شده مکی است، هیچ منافاتی ندارد؛ زیرا می توانیم سوره را با توجه به آیات ابتدایی آن بر مکی بودن حمل کنیم. از ابن عباس روایت شده سوره مکی و از ضحاک نقل شده مدنی است.(مجموع)

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱)

نام پروردگار برتر و بلند مرتبهات [از هرچه رنگ شرک خفی و جلی دارد] را منزه و پاک بدار.

واژه شناسی:

سبح: تسبيح و تنزيه.

اسم: کلمه ای است که بر مسمی دلالت می کند و جایگاه کلمه در زبان است.

اعلی: کسی که بر فراز هر بلندی تصور شود و بر هر چیزی قاهر و چیره است(المیزان) قادر و توانایی که هیچ قادری تواناتر از او نیست که غالب بر هر کس است.(مجموع)

ساختار نحوی: سبح فعل امر و فاعل ضمیر مستتر انت، اسم ربک مفعول به، اعلی صفت رب که برخی می گویند صفت برای اسم.

نکات تفسیری: به پیامبر امر شده که نام پروردگار را تنزیه کن و از اینکه گفته شده اسم پروردگار منظور این است هر گاه اسم پروردگارت را برابر زبان آورده ایم دیگری از قبیل آله و شر کا که خدا از آن منزه است، با آن کلمه به زبان نیاور و نسبت روییت به آن ها مده، اموری که مختص خداست، از قبیل خلقت، ایجاد، رزق، احیاء، اماته، به آن ها ندهد. و اموری که لایق ذات خداوند نیست به او نسبت ندهد مانند: ظلم و غفلت و... (المیزان)

اعلی صفت رب است نه اسم که حکم آیه را تعلیل می کند و می فهماند که نام پروردگار چرا تنزیه شود. اقوال گفته شده در مورد آن: ۱- استفاده از آن در نماز یا به معنای خواندن نماز یا گفتن سبحان ربی الاعلی (ابن عباس) ۲- مراد از اسم مسمی است یعنی خداوند ۳- تعظیم اسم مسمی ۴- تنزیه (دور کردن از هر بدی و مکروه) خداوند از هر آنچه لایق ذات مقدس او نباشد. به این معنا که اگر اسمی از اسمی خداوند هم به خدا اطلاق شود هم به غیر او مانند عالم و قادر، در مورد خدا آن را تأویل نکنند و اگر لفظی باشد که معنای اصلی و لغوی آن در مورد خدا صادق نباشد آن لفظ را تأویل نمایند مانند: جاء ربک.

سیاق آیات سنقرئک و نیسرک سیاق تحریک و تشویق و تبلیغ رسالت و بیداری مردم است که تایید کننده این معنا از ترکیه نام پروردگار است. (المیزان)

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲)

آنکه آفرید، پس درست و نیکو گردانید.

واژه شناسی:

خلق: خلقت هر چیز یعنی گردآوری اجزای آن.

تسویه: احکام و اتقان، روی هم قرار دادن اجزاء به نحوی که هر عضو سر جای خود قرار گیرد و بیشترین تأثیر را داشته باشد (المیزان). نظام بخشیدن (مجموع)

ساختار نحوی: الـذـى صـفـت دـوـم رـبـ. خـلـق فـعـل و فـاعـل مـسـتـر جـمـلـه صـلـه و محل اعـراب
نـدـارـد. سـوـى مـعـطـوف

تفسیر: کلمه خلق و فسوی گرچه در آیه بصورت مطلق آمده اما منظور مخلوقاتی است که
یا در آن ترکیب باشد یا شایبه ایی از آن ترکیب. از این آیه تا ۴ آیه بعد در مقام توصیف
تدیر الهی است که خود برهان روییت است (المیزان). نظراتی نیز در این باره نقل شده من
جمله:

کلبی: هر صاحب روحی را خلق کرد، سپس دو دست و دو پا و دو چشم آن را مساوی
قرار داد.

زجاج: انسان را خلق کرد و قامت آن را مساوی قرار داد.
برخی دیگر: موجودات را بواسطه اراده و حکمتش خلق کرد و آن ها را مساوی قرار داد تا
بر وحدانیت او شهادت دهند (مجموع).

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهْدِيٰ (۳)

و آنکه اندازه قرار داد و هدایت کرد.

واژه شناسی:

قدر: مخلوقات را در اندازه های معین و مشخص خلق نمود.

ساختار نحوی: تمام عبارت عطف است.

نکات تفسیری: تمام موجودات را در ذات و صفات و کار در اندازه های مشخصی خلق
نمود و سپس آن ها را با تجهیزاتی متناسب با آن اندازه ها، مجهرز نمود تا بوسیله این
تجهیزات آن ها را بسوی آنچه برایشان تقدیر نموده هدایت نماید. مانند رشد کودکی که از
روز اول به سمت پستان مادر هدایت می شود یعنی اسباب معیشت و روزی آن ها را عطا

نمود و به دینش هدایت نمود یا جو جه کبوتر که میداند باید منقار در دهان پدر و مادر خود ببرد یا هدایت غریزی نر بسوی ماده و بر همین قیاس هر موجودی بسوی کما وجودش هدایت شده است.

شاهد: ۱- وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (حجر/۲)

۲- ثُمَّ السَّبِيلَ يَسِيرَهُ (عبس/۲۰)

۳- لِكُلِّ وِجْهٍ هُوَ مُولِّيهَا (بقره/۱۴۸) (المیزان)

از دیدگاه «سدی» منظور این است که خدایی را ستایش کنید که دوران رشد جنین را در شکم مادر اندازه گیری کرد و به او نشان داد چگونه و از چه راهی به دنیا بیاید.

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعِي (۴) فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى (۵)

و آن که چراگاه را رویانید و آن را خاشاکی سیاه گردانید.

واژه شناسی:

مرعی: چرایی که علف خواران آن را می چرند، چراگاه، گیاه روییده از زمین.

غثاء: خاشاکی که سیل به کنار بیان می ریزد، گیاه خشکیده، خشک.

احوی: سیاه شده بعد از سبز بودن

ساختار نحوی: اخرج فعل و فاعل مستتر. المرعی مفعول به و جمله صله و معطوف. آیه بعد عطف

تفسیر: این آیات نمونه ایی از تدبیر الهی است که گیاه سبز را خشک می کند و پس از خشک شدن دوباره سبز می کند. اینها نشانه های ربویت خداست همانطور که خلقت و تسویه و تقدیر و هدایت نمونه دیگر آن است. (المیزان)